

رقابت‌پذیری جهانی و جایگاه اقتصاد ایران (۲۰۱۳-۲۰۱۴)

موارد مربوط به ایران از گزارش:
«رقابت‌پذیری جهانی؛ Global Competitiveness Report»
انتشار سالانه مجمع جهانی اقتصاد، اقتباس شده است.

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۲	مقدمه.....
۳	داده و منابع مورد استفاده.....
۳	دوازده مؤلفه مؤثر بر رقابت‌پذیری.....
۱۵	رابطه متقابل این دوازده مؤلفه.....
۱۹	تحقق مراحل توسعه: گذارهای هموار.....
۲۲	موقعیت شاخص رقابت‌پذیری جهانی.....
۲۸	نتیجه‌گیری و پیشنهاد.....
۳۰	منابع و مآخذ.....



رقابت‌پذیری جهانی و جایگاه اقتصاد ایران

(۲۰۱۳-۲۰۱۴)

چکیده

گزارش رقابت‌پذیری جهانی هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت مفهوم رقابت‌پذیری ناظر بر بهره‌وری متوسط و رشدهای مستمر اقتصادهای ملی است. در همین راستا اقتصاد ایران از بُعد رقابت‌پذیری، مطابق با گزارش مذکور، بین دو مرحله عامل‌محور و مبتنی‌بر کارآیی قرار دارد. از بُعد شاخص کلی رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ رتبه ایران ۸۲ (امتیاز ۴/۰۷) اعلام شده است. همچنین از بُعد شاخص‌های فرعی رقابت‌پذیری یعنی شاخص نیازهای اساسی، شاخص ارتقادهنده کارآیی و شاخص نوآوری - مهارت به ترتیب رتبه ۷۵، ۹۸ و ۱/۸۶ را به خود اختصاص داده است که همه شاخص‌های مذکور نسبت به سال قبل از آن وضعیت بدتری را به تصویر می‌کشند.

بر این اساس یکی از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران کشور در شرایط کنونی از حیث رقابت‌پذیری این می‌تواند باشد که علاوه‌بر توجه به جنبه‌های پایداری رشد به پایداری اقتصادی - اجتماعی نیز نظر نموده و معیارهای اتخاذ سیاست در جهت دستیابی به ثبات محیط اقتصاد کلان، نوآوری، نابرابری درآمدی، آموزش، رفاه عمومی و... را نیز دربرگیرد. لذا تلاش برای ارتقای موقعیت رقابت‌پذیری جمهوری

اسلامی ایران، ترقی رتبه و حداقل نیل به مرحله گذار از ۲ به ۳ یعنی مرحله قبل از مرحله مبتنی بر کارآیی و نوآوری مورد تأکید قرار می‌گیرد.^۱

مقدمه

مؤلفه‌های تعیین‌کننده رقابت‌پذیری پرشمار و پیچیده هستند. اقتصاددانان از دیرباز تلاش داشته‌اند درک کنند که چه چیزی ثروت کشورها را تعیین می‌کند. این تلاش دامنه‌ای از تمرکز «آدام اسمیت» بر تخصصی شدن و تفکیک نیروی کار گرفته تا تأکید اقتصاددانان نئوکلاسیک بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی و علاقه سال‌های اخیر به دیگر مکانیسم‌ها مثل آموزش، پیشرفت فناوری (چه فناوری تولید داخل و چه آنچه از کشورهای دیگر اقتباس می‌شود)، ثبات اقتصاد کلان، حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، نهادهای شفاف و کارآ، پیچیدگی شرکت‌ها، شرایط تقاضا، حجم بازار و بسیاری دیگر از عوامل داشته است. هر یک از این احتمال‌ها تکیه بر بنیان‌های نظری محکم دارند. با این حال نکته اصلی این است که این موارد انحصاری نیستند یعنی ممکن است دو یا چند مورد از آنها در یک زمان درست باشند. صدها مورد از تحقیقات اقتصادمحور نشان می‌دهد که بسیاری از این احتمالات در واقع به شکل همزمان مصداق دارند. همچنین این مورد می‌تواند تا اندازه‌ای توضیح دهد که چرا علیرغم بحران جهانی اقتصاد که درحال حاضر حاکم است ما شاهد تغییر رده‌بندی‌های رقابت‌پذیری نیستیم به‌ویژه در میان کشورهایی که از پیش بسیاری از

۱. مراحل گذار به تفصیل در متن گزارش شرح و بسط یافته است.



عناصر تعیین‌کننده بهره‌وری را در اختیار داشته‌اند. این گزارش چکیده‌ای است از گزارش سال ۲۰۱۳ رقابت‌پذیری جهانی (GCR)^۱ که توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده است.

داده و منابع مورد استفاده

برای اندازه‌گیری مفهوم رقابت‌پذیری، از آمارها و داده‌های متنوعی نظیر بدهی دولت، کسری بودجه، امید به زندگی و ... تهیه شده از سوی مراجع آماری شناخته شده بین‌المللی (صندوق بین‌المللی پول، یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، مجمع جهانی اقتصاد) استفاده شده است. همچنین برای داده‌های کیفی از پیمایش‌های سالانه بهره‌گیری شده است.^۲

دوازده مؤلفه مؤثر بر رقابت‌پذیری

«شاخص رقابت‌پذیری» حالت منعطفی^۳ را با ارائه یک میانگین از بسیاری عوامل مختلف در نظر می‌گیرد که هر یک از آنها معرف یک جنبه از مفهوم پیچیده‌ای هستند که ما آن را رقابت‌پذیری می‌خوانیم. این اجزا در قالب ۱۲ مؤلفه پشتیبان رقابتی شدن مطرح می‌شود:

1. Global Competitiveness Report

۲. جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به گزارش رقابت‌پذیری جهانی، ۲۰۱۳، ص ۱۱.

3. Allowing for or Adaptable to Change

مؤلفه اول: نهادها

محیط نهادی به واسطه چارچوب قانونی و اجرایی تعیین می‌شود که در آن افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها برای کسب درآمد و تولید ثروت در اقتصاد با هم تعامل می‌کنند. اهمیت وجود یک محیط نهادی مناسب در طی بحران اقتصادی بارزتر به چشم می‌آید و نقش مستقیم دولت در بسیاری از کشورها را پررنگ می‌کند.

کیفیت نهادها نقش مهمی در کسب رقابت‌پذیری و رشد اقتصادها دارد و بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و سازمان تولید اثرگذار است و نقش محوری را در زمینه شیوه توزیع سود در جوامع و شیوه پخش هزینه راهبردهای توسعه ایفا می‌کند. برای مثال مالکین زمین، سهام‌داران شرکت‌ها و مالکین فکری اگر حقوق آنها به‌عنوان مالک رعایت نشود بعید است در جهت ارتقا و نگهداری ملک خود سرمایه‌گذاری کنند.

نقش نهادها فراتر از چارچوب قانونی است. نگرش‌های دولت به بازارها و میزان آزادی‌های داده شده و نیز اثرگذاری عملکردهای آنان هم اهمیت زیادی دارد: دیوان‌سالاری گسترده، مقررات دست‌وپاگیر، فساد، بی‌صدافتی در عقد قراردادهای عمومی، نبود شفافیت و قابل اعتماد بودن و ناکارآمدی سیستم قضایی همه و همه می‌توانند هزینه‌های اقتصادی زیادی را به روند تجارت تحمیل کنند و فرآیند توسعه اقتصادی را کند سازند. مدیریت مناسب نظام پولی عمومی هم امر مهمی در ایجاد اعتماد در محیط تجاری ملی است. از این‌روی، در مؤلفه شماره ۳ بر نقش کیفیت مدیریت دولتی در نظام پولی عمومی به‌منظور تکمیل ملاک‌های پایداری در اقتصاد کلان اشاره خواهد شد.

گرچه متون علمی رشته اقتصاد عمدتاً بر نهادهای دولتی تأکید کرده‌اند، اما



نهادهای خصوصی هم عنصر مهمی در فرآیند تولید ثروت هستند. بحران اقتصادی کنونی در سطح جهان همراه با رسوایی‌های زیادی که در شرکت‌ها پدید می‌آید باعث پررنگ شدن نقش حسابرسی و استانداردهای گزارش‌دهی مالی و نیز شفافیت عملکرد شده که مانع سوءمدیریت، تضمین‌گر حکمرانی خوب و عامل حفظ اعتماد سرمایه‌گذار و مصرف‌کننده هستند. وقتی شرکت‌ها فعالیت اقتصادی مناسب داشته باشند و مدیران ناگزیر از رعایت اقدامات اخلاقی جدی در برخورد با دولت، مردم و دیگر شرکت‌ها باشند، این مهم حاصل می‌شود. شفافیت بخش خصوصی برای فعالیت اقتصادی ضروری است و می‌توان با عملی کردن استانداردها و اقدامات حسابرسی که تضمین‌کننده دستیابی به اطلاعات در دوره مشخصی هستند به آن رسید.

مؤلفه دوم: زیرساخت‌ها

وجود زیرساخت‌های گسترده و مؤثر، محرک جدی رقابتی شدن است و نقش مهمی در تضمین کارکرد مؤثر اقتصاد دارد همچنان که عامل مهم تعیین‌کننده محل فعالیت اقتصادی و نوع فعالیت‌ها یا بخش‌هایی است که می‌توان در یک ساختار اقتصادی خاص آنها را توسعه داد. زیرساخت‌های توسعه‌یافته باعث کاهش فاصله مناطق و همچنین یکپارچه شدن تمام‌عیار بازار و پیوند آن با بازارهای کم‌هزینه‌تر در سایر کشورها یا مناطق خواهد شد. به‌علاوه، کیفیت و گستردگی شبکه‌های زیرساختی، تأثیر جدی بر رشد اقتصادی و کاهش نابرابری‌های درآمدی و فقر به شکل‌های مختلف خواهد داشت. از این نظر، وجود شبکه زیرساختی حمل‌ونقل و ارتباطات، پیش‌شرط اتصال جوامع کمتر توسعه‌یافته با فعالیت‌های اقتصادی محوری و خدمات پایه‌ای است.

شکل‌های مناسب حمل‌ونقل عمومی و خدمات مناسب این حوزه - مثل جاده‌ها، ریل‌ها، فرودگاه‌ها و بندرگاه‌های مناسب - کارآفرینان را قادر می‌کند در شرایطی امن و در زمان مناسب کالاها و خدمات خود را به بازار برسانند و سبب تسهیل جابجایی کارگران برای کسب بهترین کارها می‌شود. اقتصادها همچنین وابسته به امکانات الکترونیکی بدون اختلال هستند به طوری که شرکت‌ها و کارخانه‌ها بتوانند آزادانه فعالیت کنند. سرانجام وجود یک شبکه مخابراتی گسترده، اجازه ایجاد یک جریان سریع اطلاعات را می‌دهد که باعث افزایش بازدهی کلی اقتصاد می‌شود، زیرا اطمینان می‌دهد که شرکت‌ها می‌توانند با هم ارتباط داشته باشند و تصمیماتی که توسط کنشگران اقتصادی گرفته می‌شود همه اطلاعات مربوطه را لحاظ کرده است. این حوزه‌ای است که بحران اقتصادی احتمالاً آثار بلندمدت مثبت بر آن گذاشته است، زیرا عامل اصلی توسعه زیرساخت‌ها در بسیاری از بسته‌های پیشنهادی توسعه در کشورهای چون ایالات متحده و چین می‌باشد.

مؤلفه سوم: ثبات اقتصاد کلان

ثبات محیط اقتصاد کلان عامل مهمی برای کار اقتصادی است و لذا در کلیت رقابت‌پذیری یک کشور حائز اهمیت است. گرچه درست است که ثبات اقتصاد کلان به تنهایی نمی‌تواند میزان بهره‌وری یک کشور را افزایش دهد، اما می‌توان گفت که عدم ثبات آن برای اقتصاد، زیان قابل توجهی دارد. دولت نمی‌تواند خدمات را به شکل مؤثر ارائه کند اگر مجبور باشد بازپرداخت وام‌های گذشته خود را که بهره بالایی هم داشته‌اند، بپردازند. داشتن کسری بودجه، توان آینده دولت برای واکنش به چرخه‌های



اقتصادی را محدود می‌سازد. شرکت‌ها نمی‌توانند عملکرد مؤثری داشته باشند اگر نرخ تورم از کنترل خارج باشد. به‌طور کلی اقتصاد رشد نمی‌کند مگر اینکه محیط اقتصاد کلان پایدار باشد. مهم است خاطرنشان کنیم که این عامل صرفاً بر ثبات اقتصاد کلان متمرکز است و لذا مستقیماً مربوط به مدیریت امور عمومی توسط دولت نمی‌شود. این بعد کیفی را می‌توان وظیفه نهادهای عمومی دانست که در بالا - عامل اول - به آنها اشاره شد.

مؤلفه چهارم: بهداشت و آموزش اولیه

وجود نیروی کار سالم امری حیاتی برای رقابتی شدن و بهره‌وری یک کشور است. کارگرانی که بیمارند نمی‌توانند پتانسیل درونی خود را به‌خوبی عرضه کنند و بهره‌وری آنها پایین‌تر خواهد بود. بهداشت نامناسب، هزینه‌های زیادی را به اقتصاد تحمیل می‌کند، زیرا نیروی کار بیمار غالباً غیبت خواهند داشت یا در سطح تأثیر پایین‌تری عمل خواهند کرد، لذا سرمایه‌گذاری در ارائه خدمات بهداشتی، موردی مهم برای یک اقتصاد روشن و رعایت‌کننده ملاحظات اخلاقی است.

علاوه بر بهداشت، در اینجا ما به کیفیت و کمیت آموزش اولیه (ابتدایی) که به جمعیت یک کشور داده می‌شود هم توجه داریم که در اقتصاد امروز اهمیت روزافزونی پیدا می‌کند. آموزش پایه، بازدهی نیروی کار را افزایش می‌دهد. به‌علاوه نیروی کاری که حداقل تحصیلات رسمی را گذرانده باشد می‌تواند صرفاً کارهای دستی ساده را انجام دهد و سازگار شدن او با فرآیندهای پیشرفته تولید و تکنیک‌های آن دشوارتر خواهد بود، لذا نداشتن تحصیلات پایه محدودیتی بر سر راه

توسعه اقتصادی است و برای شرکت‌ها سخت است که زنجیره ارزش فعالیت خود را از طریق ارائه محصولات پیچیده‌تر و گرانقیمت‌تر بالا ببرند. در بلندمدت ضروری است که از کاهش اختصاص منابع به این حوزه‌ها جلوگیری شود، زیرا بودجه‌های دولتی در بسیاری از کشورها باید با صرفه‌جویی همراه شود تا از میزان بدهی عمومی مرتبط با هزینه‌های جاری کاسته شود.

مؤلفه پنجم: آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی

تحصیلات تکمیلی و آموزش رده بالاتر، عامل مهمی برای اقتصادهایی است که می‌خواهند زنجیره ارزش خود را بالاتر از فرآیندهای تولید ساده و محصولات ساده ببرند. به‌ویژه اقتصاد جهانی شده امروز نیازمند نیروی کار تحصیلکرده‌ای است که بتواند به‌سرعت خود را با محیط درحال تغییر وفق دهد. این عامل باعث می‌شود نرخ تحصیلات تکمیلی و کیفیت آموزش طبق ارزیابی جامعه تجاری بالا برود. میزان آموزش پرسنل هم در اینجا مد نظر قرار می‌گیرد که این به‌خاطر اهمیت آموزش حین خدمت به شکلی دامن‌دار است - موردی که در بسیاری از کشورها نادیده گرفته می‌شود - که می‌تواند مهارت‌های نیروی کار را منطبق با نیازهای متغیر اقتصاد در حال تکامل ارتقا بدهد.

مؤلفه ششم: اثربخشی بازار کالا

کشورهایی که بازارهای کالایی با بازدهی بالا دارند در جایگاه مناسبی هستند تا آمیزه مناسبی از محصولات و خدمات را با توجه به شرایط عرضه و تقاضا تولید کنند و اطمینان دهند که این کالاها را می‌توان به بهترین شکل در اقتصاد تجاری کرد.



رقابت سالم بازار چه در بُعد داخلی و چه خارجی عامل مهمی در بازدهی بازار و بهره‌وری تجاری است، زیرا تضمین می‌دهد که تأثیرگذارترین شرکت‌ها که کالاهای مورد تقاضای بازار را تولید می‌کنند در صدد رقابت قرار می‌گیرند. بهترین محیط ممکن برای تبادل کالاها نیازمند حداقل ملزومات برای فعالیت تجاری از طریق دخالت دولتی است. مثلاً نوعی از رقابت‌پذیری به نوعی وابسته به مالیات‌های سنگین و قوانین سفت و سخت تبعیض‌آمیز درباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) است و به تجارت بین‌المللی مربوط می‌شود. کُند شدن توسعه اقتصادی و افت تجارت و افزایش بیکاری متعاقب آن، باعث افزایش فشار بر دولت‌ها شده تا ملاک‌هایی برای حفاظت از شرکت‌ها و مشاغل داخلی خود تدوین کنند. با این حال تجارت جهانی محدود نه تنها باعث تغییر رکود کنونی خواهد شد، بلکه در بلندمدت رشد را هم کاهش خواهد داد که این به‌ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه درست است.

بهره‌وری بازار همچنین وابسته به شرایط تقاضا مثل رویکرد مشتریان و خریداران است. به دلایل فرهنگی، مصرف‌کنندگان در برخی کشورها احتمالاً تقاضای بیشتری در مقایسه با مصرف‌کنندگان کشورهای دیگر دارند. این می‌تواند باعث یک مزیت رقابتی مهم شود، زیرا شرکت‌ها را مجبور می‌کند مشتری‌مدارتر شوند و رویکرد تشویقی‌تری در پیش بگیرند و لذا نظمی را بر روند کار آنها تحمیل می‌کند که برای رسیدن به بهره‌وری در بازار ضروری است.

مؤلفه هفتم: بهره‌وری بازار کار

بهره‌وری و انعطاف‌پذیری بازار کار از مسائل مهمی هستند که این اطمینان را ایجاد

می‌کنند که از نیروی کار در جایگاه‌هایی استفاده شده که بیشترین کارآیی را به‌لحاظ اقتصادی دارد و محرک‌هایی برای آنها در نظر گرفته می‌شود تا بهترین توان خود را در انجام کارشان صرف کنند. لذا بازارهای کار باید انعطاف‌پذیری داشته باشند که در صورت لزوم بتوانند نیروهای کار را از یک فعالیت به فعالیت دیگر سوق دهند و این امر با کمترین هزینه صورت پذیرد و امکان نوسانات دستمزد بدون ناآرامی اجتماعی فراهم شود. بازارهای نیروی کار همچنین باید تضمین‌کننده رابطه‌ای روشن بین دستمزد کارگران و میزان تلاش آنها و نیز بهترین استفاده از استعداد افراد باشد که این مستلزم برابری محیطی بین زنان و مردان است.

مؤلفه هشتم: پیچیدگی بازار پولی

بحران اقتصادی کنونی، نقش محوری یک بخش پولی را که کارکرد مناسبی داشته باشد برای فعالیت اقتصادی مناسب پررنگ می‌کند. بخش مالی کارآ باعث توزیع منابع مالی پس‌انداز شده توسط شهروندان و منابع مالی که از خارج کشور به سیستم اقتصادی تزریق می‌شوند خواهد شد همان‌طور که امکان بهترین استفاده از آنها را فراهم می‌کند. بازار مالی مناسب کانال توزیع منابع به پروژه‌های سرمایه‌گذاری یا کارآفرینی است که بیشترین نرخ بازدهی مورد انتظار را دارند. لذا نرخ ریسک عنصر کلیدی ارزیابی جامع و درست است. همچنین سرمایه‌گذاری تجاری اهمیت زیادی برای بهره‌وری دارد، لذا اقتصادهای مختلف نیازمند بازارهای مالی پیچیده‌ای هستند که سرمایه را برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی فراهم می‌کند که منابع اصلی آن عبارتند از: وام‌گیری از یک بخش بانکداری کارآ، تبادلات مالی ایمن و مبتنی بر



مقررات، سرمایه ریسک‌آمیز و دیگر محصولات مالی ممکن. این نکته زمانی مجدداً مورد توجه قرار گرفت که شرکت‌ها لحظات حساس را در کسب نقدینگی تجربه کردند و بخش‌های دولتی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه هم محتاج توجه به وضعیت نقدینگی شدند. بخش بانکداری برای تحقق این کارکردها باید قابل اعتماد و شفاف باشد و بازارهای مالی باید مقررات مناسبی را برای حفاظت از سرمایه‌گذاران و دیگر کنشگران عرصه اقتصاد تدوین کنند.

مؤلفه نهم: آمادگی در حوزه فناوری

این عامل به سنجش میزان آمادگی یک اقتصاد در تطبیق دادن خود با فناوری‌های موجود به منظور تقویت بهره‌وری صنایع می‌پردازد. در دنیای جهانی شده امروز، فناوری روز به روز عنصر مهمتری در رقابت شرکت‌ها می‌شود. به‌طور خاص فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) مبدل به «فناوری‌های همه‌منظوره^۱ یا رایج» عصر ما شده‌اند که این ناشی از نفوذ آنها به دیگر بخش‌های اقتصادی و نقش آنها به‌عنوان زیرساخت مؤثر برای تعاملات تجاری است، لذا دسترسی به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (از جمله وجود چارچوب مقرراتی که در مورد آنها برخورد مناسبی داشته باشد) و کاربرد آن، جزئی اساسی از سطح کلی آمادگی در حوزه فناوری به‌شمار می‌رود.

در این بافت این موضوع که آیا فناوری مورد استفاده، در مرزهای ملی تکامل پیدا کرده یا خیر چندان ربطی به رقابت‌پذیری ندارد. نکته مهم این است که شرکت‌های فعال

در کشور به محصولات پیشرفته دسترسی داشته باشند و بتوانند از آنها استفاده کنند. در میان منابع اصلی فناوری خارجی، FDI غالباً نقشی کلیدی ایفا می‌کند. از این رو سطح فناوری موجود برای یک کشور باید از توانایی کشور برای نوآوری و گسترش قلمروهای دانش خود متمایز شود. به همین دلیل است که ما آمادگی برای فناوری را از نوآوری جدا می‌کنیم که این موضوع در بررسی عامل دوازدهم بیشتر مورد توجه است.

مؤلفه دهم: حجم بازار

حجم بازار بر بهره‌وری اثر می‌گذارد، زیرا بازارهای بزرگ به شرکت‌ها امکان می‌دهند از صرفه‌جویی ناشی از مقیاس بهره‌برداری کنند. به شکل سنتی، بازارهایی که در اختیار شرکت‌هاست محدود به مرزهای ملی بوده‌اند. در عصر جهانی شدن، بازارهای بین‌المللی جایگزین بازارهای داخلی به ویژه در کشورهای کوچک شده‌اند. شواهد تجربی پرشماری وجود دارد که نشان می‌دهد باز بودن تجاری همبستگی مثبت با رشد اقتصادی دارد. حتی اگر برخی تحقیقات که اخیراً انجام شده‌اند درباره این رابطه تردیدهایی را مطرح کنند، باز هم تلقی کلی این است که تجارت دارای اثر مثبت بر رشد است به ویژه برای کشورهای داخلی کوچک دارند.

لذا صادرات می‌تواند جایگزینی برای تقاضای داخلی در تعیین حجم بازار برای شرکت‌های یک کشور باشد. در جهان امروز که وابستگی بسیار بالایی میان کشورها وجود دارد، ترمیم رکود کنونی نیازمند این است که کشورها میزان کالایی که از دیگر کشورها می‌خرند افزایش دهند تا تقاضا افزایش یابد. کاستن از موانع پیش روی



تجارت، از این فرآیند حمایت خواهد کرد.

گزارش رقابت‌پذیری جهانی با شامل کردن بازارهای داخلی و خارجی در سنجش حجم بازار، به اقتصادهای صادرات‌محور و اتحادهای جغرافیایی (مثل اتحادیه اروپا) اعتبار می‌دهد که هر چند متشکل از چندین کشور هستند، اما یک بازار مشترک دارند.

مؤلفه یازدهم: پیچیدگی فعالیت اقتصادی

پیچیدگی فعالیت اقتصادی منجر به بازدهی بالاتر در تولید کالاها و خدمات می‌شود و در عوض بهره‌وری را افزایش می‌دهد که خود موجب تقویت رقابت‌پذیری یک کشور می‌شود. پیچیدگی فعالیت اقتصادی معطوف به کیفیت شبکه‌های اقتصادی یک کشور و نیز کیفیت عملکردهای منفرد شرکت‌ها و راهبردهای آنهاست. برای کشورهایی که در مرحله پیشرفت توسعه قرار دارند بسیار مهم است که ارتقای بهره‌وری منابع پایه‌ای افزایش یابد. کیفیت شبکه‌های تجارت یک کشور و صنایع حامی آن، که ما با استفاده از نشانگرهای کمیّت و کیفیت عرضه‌کنندگان بومی و میزان تعامل آنها با هم سنجیده‌ایم، به دلایل مختلف حائز اهمیت است. وقتی شرکت‌ها و عرضه‌کنندگان یک بخش خاص در قالب گروه‌های مجاور به‌لحاظ جغرافیایی به هم مرتبط می‌شوند، بهره‌وری تحکیم می‌شود و فرصت‌های تازه برای خلاقیت ایجاد می‌شود و موانع سر راه ورود به شرکت‌های جدید کاهش پیدا می‌کند. عملکردها و راهبردهای منفرد شرکت‌ها (تبلیغ مارک تجاری، بازاریابی، وجود یک زنجیره ارزش و تولید کالاهای منحصر به فرد و پیچیده) همگی منجر به فرآیندهای تجاری پیچیده و مدرن می‌شوند.

مؤلفه دوازدهم: نوآوری

عامل آخر در کسب رقابت‌پذیری، نوآوری است. گرچه از طریق ارتقای نهادها، ایجاد زیرساخت‌ها، کاهش بی‌ثباتی در اقتصاد کلان یا ارتقای سرمایه انسانی می‌تواند فواید زیادی به‌دست آورد، اما همه این عوامل سرانجام منجر به کاهش سود می‌شوند، همین موضوع در مورد بهره‌وری نیروی کار و بازارهای پولی و کالاها هم درست است. در بلندمدت تنها از طریق نوآوری می‌توان استانداردهای زندگی را ارتقا داد. نوآوری به‌ویژه برای اقتصادهایی مهم است که در حال نزدیک شدن به مرزهای دانش هستند و احتمال یکپارچگی فناوری‌های قدیمی در حال کمرنگ شدن است.

گرچه کشورهای کمتر توسعه‌یافته همچنان می‌توانند بهره‌وری خود را از طریق به‌کارگیری فناوری‌های موجود ارتقا دهند یا پیشرفت‌های چشمگیر در دیگر حوزه‌ها به‌دست آورند، اما برای کشورهایی که به مرحله نوآوری‌محور از توسعه رسیده‌اند دیگر چنین رویکردی کافی نخواهد بود. شرکت‌ها در این کشورها باید اقدام به طراحی و تولید محصولات و فرآیندهای مؤثر کنند تا بتوانند قابلیت رقابت خود را حفظ کنند. این امر نیازمند محیطی است که اجازه فعالیت نوآرانه را بدهد و مورد حمایت بخش‌های دولتی و خصوصی باشد. به‌ویژه این به معنای سرمایه‌گذاری کافی در پژوهش و توسعه (R&D) به‌ویژه از طرف بخش خصوصی، وجود نهادهای پژوهش علمی با کیفیت، همکاری گسترده پژوهشی میان دانشگاه‌ها و صنعت و حفاظت از حقوق مالکیت فکری^۱ است. در این زمان بحران اقتصادی، مهم خواهد بود که در برابر فشارها برای کاهش هزینه پژوهش و توسعه در هر دو سطح خصوصی



و دولتی مقاومت شود که این امر برای توسعه پایدار آتی حیاتی است.

رابطه متقابل این دوازده مؤلفه

اگر چه این ۱۲ مؤلفه تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری به‌طور جداگانه توصیف شد، اما نباید این حقیقت را نادیده گرفت که اینها مستقل از هم نیستند؛ نه تنها به هم مرتبط هستند، بلکه یکدیگر را تقویت هم می‌کنند. مثلاً نوآوری (مؤلفه ۱۲) در جهانی که در آن نهادهای مناسب (مؤلفه ۱) وجود ندارند غیرممکن است، یعنی نهادهایی که از حق مالکیت فکری حفاظت کنند. همچنین امکان نوآوری در کشورهایی که نیروی کار آموزش‌دیده و تحصیل‌کرده ندارند (مؤلفه ۵) میسر نیست و در اقتصادهایی که بازارهای دارای بهره‌وری (مؤلفه ۶، ۷ و ۸) ندارند، یا اگر زیرساخت‌های مناسب (مؤلفه ۲) در کار نباشند سخت‌تر اجرایی خواهد شد. گر چه ساخت عملی این نمایه رقابت‌پذیری جهانی مستلزم قرار دادن همه این ۱۲ مؤلفه در یک نمایه واحد است، ملاک‌هایی برای این ۱۲ مؤلفه به شکل مجزا بیان می‌شوند، زیرا ارائه تحلیلی جامع‌تر برای کشورها و فعالیت اقتصادی مفیدتر خواهد بود؛ چنین تحلیلی به حوزه‌های عملی که یک کشور خاص باید در آنها پیشرفت کند، نزدیک‌تر است.

مراحل توسعه و شاخص ارزشگذاری

روشن است که عوامل مختلف در کشورهای مختلف به شکلی متفاوت اثر می‌گذارند؛ مثلاً بهترین راهی که کشور بورکینافاسو برای ارتقای رقابت‌پذیری دارد شبیه راه

پیش‌روی سوئیس نیست، زیرا این دو کشور در مراحل مختلف توسعه قرار دارند. همچنان که کشورها در مسیر توسعه پیش می‌روند دستمزدها افزایش می‌یابد و برای حفظ این درآمد بالا باید بهره‌وری نیروی کار ارتقا پیدا کند.

بنابر دیدگاه «شاخص جهانی رقابت‌پذیری»، در مرحله اول توسعه اقتصاد «عامل محور» است و کشورها براساس میزان موجودی عوامل (که در وهله اول مواردی چون نیروی کار غیرماهر و منابع طبیعی قرار می‌گیرند) با یکدیگر رقابت می‌کنند. شرکت‌ها براساس قیمت و میزان فروش محصولات پایه‌ای با یکدیگر رقابت می‌کنند و بهره‌وری پایین آنها در قالب دستمزدهای پایین‌شان نمود پیدا می‌کند. حفظ رقابت‌پذیری در این مرحله از توسعه، در وهله اول مبتنی بر نهادهای بخش دولتی و خصوصی (مؤلفه ۱) و نیز مبتنی بر مواردی چون زیرساخت‌های توسعه‌یافته (مؤلفه ۲)، چارچوب پایدار اقتصاد کلان (مؤلفه ۳) و نیروی کار سالم و تحصیلمکرده (مؤلفه ۴) است.

همچنان که با تداوم توسعه دستمزدها افزایش پیدا می‌کنند، کشورها وارد مرحله «بازدهی‌محور» توسعه می‌شوند یعنی زمانی که باید اقدام به ارائه فرآیندهای تولید مؤثر و افزایش کیفیت محصول نمایند. در این نقطه، رقابت‌پذیری به شکل روزافزون مربوط به سطح تحصیلات تکمیلی و آموزش سطح بالاتر (مؤلفه ۵)، بازارهای کالای دارای بهره‌وری (مؤلفه ۶)، بازارهای کار دارای عملکرد مناسب (مؤلفه ۷)، بازارهای پولی پیچیده (مؤلفه ۸)، بازار داخلی و خارجی بزرگ (مؤلفه ۱۰) و توانایی استفاده از فواید فناوری‌های موجود (مؤلفه ۹) خواهد شد.

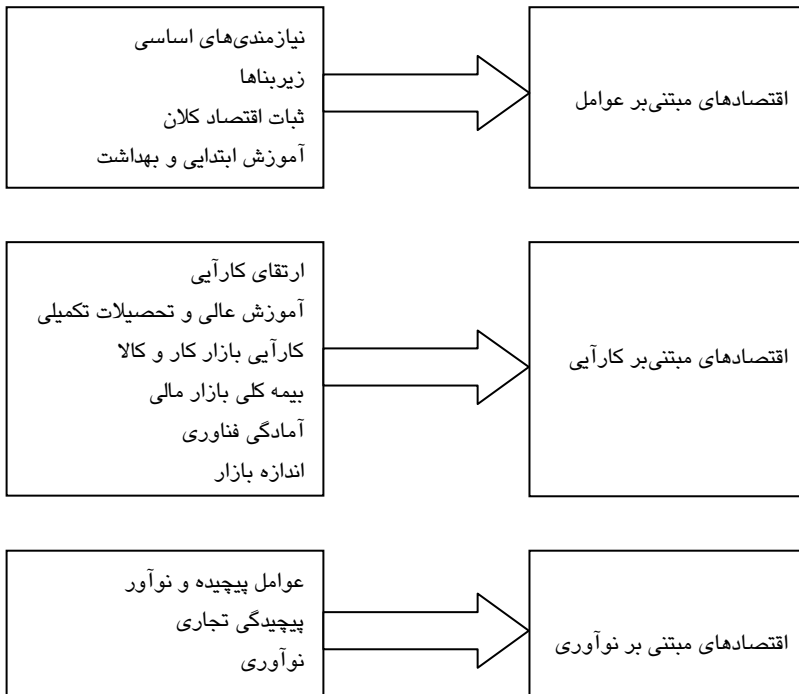
سرانجام وقتی کشورها پا به مرحله «نوآوری‌محور» می‌گذارند تنها در صورتی



قادر به حفظ سطح بالای دستمزدها و استانداردهای زندگی خواهند بود که شرکت‌های آنها قادر به رقابت در زمینه محصولات جدید و منحصر به فرد باشند. در این مرحله شرکت‌ها باید از طریق توجه به نوآوری رقابت کنند (مؤلفه ۱۲) و با استفاده از فرآیندهای تولید پیچیده، محصولات جدید و مختلف را تولید نمایند (مؤلفه ۱۱). مفهوم مراحل توسعه از طریق اعتباردهی به عوامل تبیین‌کننده وضعیت توسعه هر کشور در نمایه مد نظر ما نقش‌آفرینی می‌کند. این یعنی گرچه همه ۱۲ عامل ذکر شده تا حدی برای همه کشورها مهم هستند، اما اهمیت نسبی هر کدام بستگی به مرحله توسعه‌ای دارد که هر کشور در حال تجربه است. برای توجه به این مسئله، همه عوامل ۱۲ گانه را در قالب سه نمایه زیرمجموعه سازماندهی می‌کنیم که هر یک برای مرحله‌ای از توسعه مناسب هستند.

نمایه زیرمجموعه موسوم به «ملزومات پایه‌ای»، مربوط به عواملی است که برای کشورهایی که در مرحله عامل‌محور قرار دارند بیشترین اهمیت را دارند. نمایه زیرمجموعه «تقویت بازدهی» شامل عواملی است که برای کشورهای مهم هستند که در مرحله بهره‌وری‌محور قرار دارند و نمایه زیرمجموعه «عوامل نوآوری و پیچیدگی» شامل عواملی است که برای کشورهای مهم هستند که در مرحله نوآوری‌محور قرار می‌گیرند. این سه نمایه زیرمجموعه را در نمودار زیر نشان داده‌ایم:

نمودار ۱. دوازده مؤلفه رقابت‌پذیری



مأخذ: گزارش رقابت‌پذیری سال ۲۰۱۴-۲۰۱۳، ص ۹.

وزن و اعتبار خاصی که برای هر نمایه زیرمجموعه در هر مرحله از توسعه قائل می‌شویم در جدول ۱ آمده است. برای تعیین وزن دقیق آنها از رگرسیون احتمال حداکثری تولید ناخالص ملی برای هر یک از نمایه‌های زیرمجموعه در سال‌های گذشته استفاده می‌شود که می‌توان برای هر مرحله از توسعه از ضرایب رگرسیون



متفاوت استفاده کرد. در جدول ۱ این تخمین‌های اقتصادسنجی آمده‌اند.

جدول ۱. وزن‌های مربوط به سه شاخص اصلی در هر مرحله توسعه

عنوان	مرحله اول توسعه	مرحله دوم توسعه	مرحله سوم توسعه
نیازمندی‌های اصلی	۶۰	۴۰	۲۰
ارتقای کارایی	۳۵	۵۰	۵۰
عوامل پیچیده و نوآور	۵	۱۰	۳۰

مأخذ: گزارش رقابت‌پذیری سال ۲۰۱۴-۲۰۱۳، ص ۱۰.

تحقق مراحل توسعه: گذارهای هموار

می‌توان کشورها را مبتنی بر دو ملاک به‌لحاظ مراحل توسعه‌ای که در آن قرار دارند تقسیم کرد. ملاک اول سرانه تولید ناخالص ملی برحسب نرخ تبادل بازار است. این ملاک به شکل گسترده‌ای به‌عنوان یک نشانه برای دستمزدها استفاده می‌شود هر چند داده‌های قابل مقایسه در سطح بین‌المللی برای آن وجود ندارد که بتواند همه کشورها را پوشش دهد. حد آستانه‌های دقیق در جدول ۲ آمده‌اند.

جدول ۲. آستانه درآمدی برای آغاز هر یک از مراحل توسعه

سرنانه تولید ناخالص داخلی (دلار)	مراحل توسعه
< ۲۰۰۰	مرحله یک مبتنی بر عامل
۲۰۰۰-۳۰۰۰	گذار از مرحله یک به مرحله دوم
۳۰۰۰-۹۰۰۰	مرحله دوم، مبتنی بر کارآیی
۹۰۰۰-۱۷۰۰۰	گذار از مرحله دوم به مرحله سوم
> ۱۷۰۰۰	مرحله سوم، مبتنی بر نوآوری

مأخذ: همان، ص ۱۱.

ملاک دوم میزان عامل محور بودن کشورها را مورد توجه قرار می‌دهد و به وسیله سهم صادرات کالاهای معدنی در صادرات کل کشورها تعیین می‌شود (صادرات کل برحسب کالاها و خدمات). فرض این است که کشورهایی که بیش از ۷۰ درصد صادراتشان محصولات معدنی (در یک بازه زمانی پنج ساله) است، عامل محور به‌شمار می‌آیند. کشورهایی که بین دو مرحله از این سه مرحله جای می‌گیرند را کشورهای «درحال گذار» می‌نامیم که در آنها وزن و اعتبار کشور متناسب با سطح توسعه به آسانی تغییر می‌کند که نشانگر گذار هموار از یک مرحله توسعه به مرحله دیگر است. از طریق ارائه این نوع گذار بین مراحل یعنی از طریق اعتباردهی بیشتر به حوزه‌هایی که نقش پررنگ‌تری در رقابت پذیری کشور پیدا می‌کنند، نمایه می‌تواند به شکل منظم به «مجازات» کشورهای بپردازد که برای مرحله بعد آماده نشده‌اند. شکل طبقه‌بندی کشورها در مراحل توسعه در جدول ۳ نشان داده شده است.



جدول ۳. فهرست کشورها (اقتصادها) در هر مرحله از توسعه در سال ۲۰۱۳

مرحله ۱ (۳۸ کشور)	مرحله گذار از ۱ به ۲ (۲۰ کشور)	مرحله ۲ مبتنی بر کارآیی (۳۱ کشور)	مرحله گذار از ۲ به ۳ (۲۲ کشور)	مرحله ۳ مبتنی بر نوآوری (۳۷ کشور)
بنگلادش	الجزایر	آلبانی	آرژانتین	استرالیا
بنین	آنگولا	بوسنی و هرزگوین	باربادوس	اتریش
بورکینافاسو	ارمنستان	بلغارستان	برزیل	بحرین
بروندی	آذربایجان	چین	شیلی	بلژیک
کامبوج	بوتان	کلمبیا	کروواسی	کانادا
کامرون	بولیوی	جمهوری دومینیکن	استونی	قبرس
چاد	بوتسوانا	اکوادور	مجارستان	جمهوری چک
تیمور شرقی	برونئی	مصر	قزاقستان	دانمارک
اتیوپی	گابن	السالوادور	لیتوانی	فنلاند
گامبیا	هندوراس	گرجستان	لبنان	فرانسه
غنا	ایران	گوآتمالا	مالزی	آلمان
گینه	مالدیو	اندونزی	مکزیک	سنگاپور
هائیتی	مغولستان	گینه	عمان	اسلوانی
هند	مراکش	جامائیکا	پاناما	اسپانیا
کنیا	فیلیپین	اردن	لهستان	سوئد
جمهوری	عربستان سعودی	مقدونیه	روسیه	سوئیس
قرقیزستان				
لسوتو	کویت	موریتانی	اسلواکی	تایوان
لیبریا	سریلانکا	مونتنگرو	ترکیه	امارات
ماداگاسکار	ونزوئلا	نامیبیا	اروگوئه	انگلستان
مالاوی		پاراگوئه		آمریکا
مالی		پرو		یونان
موریتانی		رومانی		هنگ کنگ

مرحله ۱ (۳۸ کشور)	مرحله گذار از ۱ به ۲ (۲۰ کشور)	مرحله ۲ مبتنی بر کارآیی (۳۱ کشور)	مرحله گذار از ۲ به ۳ (۲۲ کشور)	مرحله ۳ مبتنی بر نوآوری (۳۷ کشور)
موزامبیک		صربستان		ایسلند
میانمار		آفریقای جنوبی		ایرلند
نیپال		تایلند		ایتالیا
نیکاراگوئه		تونس		ژاپن
نیجریه		اوکراین		لوکزامبورگ
پاکستان				مالت
رواندا				هلند
سنگال				نیوزلند
سیرالئون				نروژ
تانزانیا				پرتغال
اوگاندا				پورتوریکو
ویتنام				قطر
یمن				
زامبیا				
زیمبابوه				

مأخذ: همان.

موقعیت شاخص رقابت‌پذیری جهانی

در بخش دوم گزارش رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۱۳-۲۰۱۴) دلالت‌های مبتنی بر مراحل گذار جوامع ارائه شده است که از این طریق کشورها به صورت ذیل تقسیم‌بندی شده‌اند:



۱. مرحله اول مبتنی بر مؤلفه (۳۸ کشور) برخی از کشورهای مذکور شامل بنگلادش، بنین، بورکینافاسو، هندوستان، پاکستان، نپال، سنگال، تاجیکستان، ویتنام، یمن و زیمبابوه،
 ۲. مرحله گذار از یک به دو (۲۰ کشور) برخی از کشورهای این مرحله عبارتند از: الجزایر، آذربایجان، بولیوی، ارمنستان، ایران، کویت، فیلیپین، عربستان سعودی، سریلانکا و ونزوئلا،
 ۳. مرحله دو مبتنی بر کارآیی (۳۱ کشور) برخی از کشورهای این مرحله عبارتند از: آلبانی، ارمنستان، بوسنی و هرزگوین، چین، کلمبیا، گرجستان، رومانی، اندونزی، مصر، اردن، پرو، آفریقای جنوبی، تایلند و اوکراین.
 ۴. گذار از مرحله دوم به مرحله سوم (۲۲ کشور) برخی از کشورهای این مرحله عبارتند از: آرژانتین، برزیل، کروواسی، استونی، مجارستان، قزاقستان، لبنان، عمان، مکزیک، لهستان، روسیه، ترکیه، شیلی و مالزی.
 ۵. مرحله سوم مبتنی بر نوآوری (۳۷ کشور) برخی از کشورهای شامل در این مرحله عبارتند از: استرالیا، اتریش، کانادا، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، هلند، اسپانیا، نیوزلند، پرتغال، اسلوانی، سوئد، سنگاپور، قطر، سوئیس، امارات، انگلستان و آمریکا.
- براساس مراحل مذکور بالاترین رده و نمره را کشور سوئیس با امتیاز ۵/۶۷ به خود اختصاص داده است (امتیاز رقابت‌پذیری جهانی بین ۱ تا ۷ قرار دارد). در مرحله بعد سنگاپور (۵/۶۱)، فنلاند (۵/۵۴)، آلمان (۵/۵۱)، آمریکا (۵/۴۸)، سوئد (۵/۴۸) جایگاه ۱ تا ۶ را به خود اختصاص داده‌اند.

در این میان چنانچه در جدول ۶ نشان می‌دهد، ایران در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ رتبه ۸۲ و امتیاز ۴/۱ را به خود اختصاص داده و کشورهای چون عمان (۴/۶۴) رتبه ۳۳، کویت (۴/۵۶) رتبه ۳۶، آذربایجان (۴/۵۱) رتبه ۳۹، بحرین (۴/۴۵) رتبه ۴۳، قزاقستان (۴/۴۱) رتبه ۵۰، روسیه (۴/۲۵) رتبه ۶۴، ترکیه (۴/۴۵) رتبه ۴۴، گرجستان (۴/۱۵) رتبه ۷۲، ارمنستان (۴/۱۰) رتبه ۷۹، لبنان (۳/۷۷) رتبه ۱۰۳، مصر (۳/۶۳) رتبه ۱۱۸، پاکستان (۳/۴۱) رتبه ۱۳۳ را به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل توجه این است که کلیه محاسبات و ضرایب تعلق گرفته برای ترکیب مؤلفه‌ها، براساس اینکه هر کشور در کدامیک از مراحل پنج‌گانه قرار گرفته باشد، انجام می‌پذیرد.

این درحالی است که جایگاه ایران در گزارش سال قبل یعنی ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳، رتبه ۶۶ (امتیاز ۴/۲) و سال قبل از آن یعنی ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲، رتبه ۶۲ (امتیاز ۴/۳) بوده است. همچنین جدول ۴ جزئیات شاخص‌های فرعی رقابت‌پذیری ایران در سال ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴ را در مقایسه با سال قبل از آن به تصویر کشیده است.

جدول ۴. موقعیت شاخص‌های فرعی رقابت‌پذیری ایران در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴

در مقایسه با سال قبل از آن

شاخص کلی		شاخص نیازمندی‌های اساسی		شاخص ارتقادهنده کارایی		شاخص نوآوری و مهارت	
رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز
۲۰۱۳-۲۰۱۴	۴/۰۷	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۴/۶۹	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۳/۷۰	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۳/۴۱
۲۰۱۳-۲۰۱۴	۴/۲۲	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۵۹	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۹۸	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۷۷
۲۰۱۳-۲۰۱۴	۶۶	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۹۰	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۸۶	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۸۲
۲۰۱۳-۲۰۱۴	۳/۴۶	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۳/۸۱	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۳/۸۱	۲۰۱۳-۲۰۱۴	۳/۴۶

همچنین اگر در نظر باشد که موقعیت شاخص‌های فرعی رقابت‌پذیری برای

ایران در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ به تصویر کشیده شود جدول ۵ را خواهیم داشت:



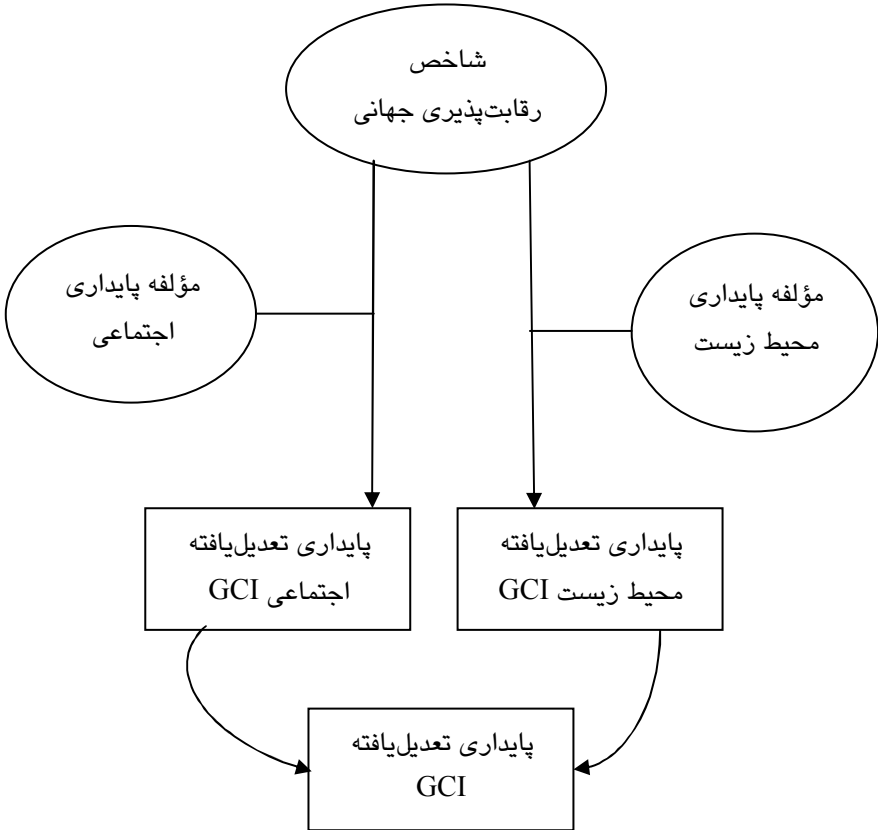
جدول ۵. موقعیت شاخص‌های فرعی رقابت‌پذیری ایران در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴
برحسب عناصر شامل در هر یک از مؤلفه‌ها

عنوان	رتبه (از بین ۱۴۸ کشور)	امتیاز (از ۱ تا ۷)
شاخص نیازمندی‌های اساسی	۷۵	۴/۵
نهاده‌ها	۸۸	۳/۷
زیرساخت‌ها	۶۵	۴/۶
محیط اقتصاد کلان	۱۰۰	۴/۳
آموزش و بهداشت اولیه	۵۱	۶/۰
ارتقا دهنده‌های کارآیی	۹۸	۳/۷
آموزش عالی	۸۸	۴/۰
کارآیی بازار کالا	۱۱۰	۳/۹
کارآیی بازار کار	۱۴۵	۳/۰
توسعه بازار مالی	۱۳۰	۳/۲
آمادگی فناوری	۱۱۶	۳/۰
اندازه بازار	۱۹	۵/۶
عوامل نوآوری و مهارت	۸۶	۳/۴
مهارت کسب‌وکار	۱۰۴	۳/۶
نوآوری	۷۱	۳/۲

مأخذ: همان، ص ۲۲۰.

علاوه بر این در گزارش مذکور، پایداری تعدیل یافته شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۱ نیز محاسبه شده است.

نمودار ۲. ساختار پایداری تعدیل یافته GCI



بر همین اساس وضعیت تعدیل امتیازهای شاخص رقابت‌پذیری جهانی با استفاده از شاخص‌های پایداری برای ایران و چند کشور منتخب به شرح جدول ۶ آمده است.



جدول ۶. وضعیت تعدیل امتیاز GCI از طریق شاخص‌های پایداری در ایران و چند کشور منتخب در سال

پایداری تعدیل یافته شاخص رقابت پذیری جهانی		پایداری محیط زیست GCI تعدیل یافته		پایداری اجتماعی GCI تعدیل یافته		GCI ۲۰۱۴-۲۰۱۳		کشور
جهت	امتیاز	جهت	امتیاز	جهت	امتیاز	امتیاز	رتبه	
↓	۳/۸۰	↓	۲/۷۵	↓	۳/۸۴	۴/۰۷	۸۲	ایران
→	۴/۹۷	↓	۴/۶۱	↑	۵/۳۳	۵/۰۱	۲۵	کره جنوبی
→	۵/۲۹	→	۵/۱۸	↑	۵/۴۱	۵/۰۳	۲۴	مالزی
→	۵/۳۷	→	۴/۸۹	↑	۵/۸۴	۵/۱۱	۱۹	امارات
→	۵/۰۵	↓	۴/۷۸	→	۵/۳۲	۵/۱۰	۲۰	عربستان
↓	۴/۱۵	↓	۳/۹۴	→	۴/۳۷	۴/۵۱	۳۹	آذربایجان
→	۴/۳۶	↓	۲/۶۶	↑	۵/۰۵	۴/۵۶	۳۶	کویت
→	۴/۲۵	↓	۴/۰۶	→	۴/۴۴	۴/۴۵	۴۴	ترکیه
→	۴/۲۰	→	۴/۱۰	→	۴/۳۰	۴/۲۵	۶۴	روسیه
↓	۳/۸۰	↓	۳/۸۱	↓	۳/۷۹	۴/۱۵	۷۲	گرجستان
↓	۳/۵۵	↓	۳/۲۲	↓	۳/۴۸	۳/۷۹	۱۰۰	الجزایر
↓	۳/۳۴	↓	۳/۰۵	→	۳/۶۲	۳/۷۷	۱۰۳	لبنان
↓	۲/۹۲	↓	۲/۹۱	↓	۲/۹۳	۳/۴۱	۱۳۳	پاکستان
↓	۳/۲۳	↓	۲/۹۷	→	۳/۵۰	۳/۶۳	۱۱۸	مصر
↓	۳/۳۱	↓	۲/۲۹	↓	۳/۳۳	۳/۵۷	۱۲۱	قرقیزستان
↓	۳/۷۴	↓	۲/۶۱	↓	۳/۸۶	۴/۱۰	۷۹	ارمنستان

توضیحات:

- ↑ تغییرات GCI بیشتر از ۱۵ تا ۲۰ درصد.
- ↓ تغییرات GCI کمتر از ۵ تا ۲۰ درصد.
- تغییرات تقریباً ثابت تا حدود ۵ درصد.

به طوری که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود وضعیت ایران از بُعد شاخص پایداری اجتماعی شاخص رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ با امتیاز ۳/۸۴ حاکی از کاهش حدود ۵ تا ۱۵ درصدی نسبت به سال قبل از آن دارد. همچنین از بُعد شاخص پایداری محیط زیست تعدیل یافته GCI با امتیاز ۳/۷۵ تقریباً کاهشی معادل ۵ تا ۱۵ درصد را نیز داشته است که در نتیجه شاخص کلی تعدیل یافته با امتیاز ۳/۸۰ حکایت از کاهش ۵ تا ۱۵ درصدی نسبت به سال قبل از آن را دارد. همچنین در کشورهای کره جنوبی، مالزی، امارات و کویت شاخص پایداری اجتماعی GCI با افزایش مواجه بوده است و از بُعد شاخص پایداری محیط زیست GCI هیچ یک از کشورهای منتخب با افزایش امتیاز نسبت به سال قبل از آن مواجه نبوده‌اند که بیانگر بدتر شدن وضعیت پایداری محیط زیست در یک نگاه کلی است. در نتیجه شاخص پایداری کلی تعدیل یافته GCI در هیچ‌یک از کشورهای منتخب با افزایش امتیاز مواجه نبوده است و دست‌کم وضعیت بدون تغییری را به تصویر کشیده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

به طور کلی می‌توان گفت مفهوم رقابت‌پذیری ناظر بر بهره‌وری متوسط و رشدهای مستمر اقتصادهای ملی است. بنابراین هرچند چرخه‌های تجاری بر جنبه‌های رشد کوتاه‌مدت کشورها تأثیرگذار است که مصداق آن رکود اقتصاد جهانی است، لکن این چرخه‌های تجاری قاعداً نباید بر جنبه‌های رقابت‌پذیری و محرک‌های آن در بلندمدت تأثیر بگذارد.



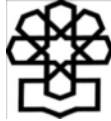
همان‌طور که ملاحظه شد از بُعد رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در مرحله یک به دو یعنی بین دو مرحله عامل‌محور و مبتنی‌بر کارآیی است، همچنین از بُعد شاخص کلی رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ رتبه ایران ۸۲ (امتیاز ۴/۰۷) اعلام شده است. همچنین از میان ۱۴۸ کشور ایران از بُعد شاخص‌های فرعی رقابت‌پذیری یعنی شاخص نیازهای اساسی، شاخص ارتقادهنده کارآیی و شاخص نوآوری - مهارت به ترتیب رتبه ۷۵، ۹۸ و ۸۶ را به خود اختصاص داده است که همه شاخص‌های مذکور نسبت به سال قبل از آن وضعیت بدتری را به تصویر می‌کشند.

در نهایت در صورتی‌که بخواهیم از بُعد شاخص پایداری تعدیل یافته رقابت‌پذیری جهانی وضعیت ایران را از میان کشورهای مورد بررسی مقایسه کنیم، امتیاز کلی شاخص مذکور ۳/۸ خواهد بود این درحالی است که برای برخی از کشورهای منتخب نظیر مالزی (۵/۲۹)، کره جنوبی (۴/۹۷)، امارات (۵/۳۷)، عربستان سعودی (۵/۰۵) و گرجستان (۳/۸۰) اعلام شده است. لذا سیاستگذاران کشور در شرایط کنونی باید علاوه‌بر جنبه‌های پایداری رشد به پایداری اقتصادی - اجتماعی نیز توجه نمایند و سیاست‌هایی را در جهت بهبود محیط اقتصاد کلان، نوآوری، نابرابری درآمدی، آموزش، رفاه عمومی و ... اتخاذ کنند. لذا بهبود رتبه ۸۲ ام و نیل به مراحل بالاتر توسعه حداقل در حد ترکیه یعنی مرحله گذار از ۲ به ۳ مورد تأکید است.

منابع و مآخذ

۱. مجمع جهانی اقتصاد، گزارش رقابت‌پذیری جهانی، ۲۰۱۳-۲۰۱۴.

2. World Economic Forum, Global Competitiveness Report, 2013-2014.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۶۰۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: رقابت‌پذیری جهانی و جایگاه اقتصاد ایران (۲۰۱۳-۲۰۱۴)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین: افشین حیدرپور

ناظر علمی: رؤیا طباطبایی‌یزدی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. رقابت‌پذیری

۲. توسعه

۳. نوآوری

۴. کارآیی

۵. اقتصاد دانایی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۲/۱